

کتاب یوئیل و کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم - شماره بیست‌وهشت

Jeff Pippenger

2026-01-14

شماره بیست‌وهشت

ما در حال شناسایی دوازده تحقق مسیحایی در انجیل متی هستیم و آن‌ها را با نشانه‌های راه صد و چهل و چهار هزار تطبیق می‌دهیم. ما ولادت مسیح را به‌عنوان نشانه راه زمان پایان شناسایی کرده‌ایم؛ زمانی که آغازگر هر جنبش اصلاحی است. ولادت مسیح با سال 1989، زمان پایان برای صد و چهل و چهار هزار، منطبق است. پس از آن نشانه راه، همواره نشانه راه دیگری می‌آید که در آن پیام وارد عرصه عمومی می‌شود تا از آن پس عموم مردم در قبال آن پاسخ‌گو باشند.

دومین تحقق مسیحایی، تعلیم‌های تمثیلی مسیح بود که روش‌شناسی‌ای را تعریف می‌کند که برای ارائه پیامی به کار می‌رود که پس از زمان پایان صورت‌بندی می‌شود، زمانی که افزایش دانش به پیامی برای آن نسل خاص می‌انجامد. این برای پیروان میلر در سال ۱۸۳۱ بود و برای جنبش صد و چهل و چهار هزار در سال ۱۹۹۶. پس از آنکه پیام در عرصه عمومی قرار می‌گیرد، با تحقق نبوتی که آغاز فرایند آزمون را نشان می‌دهد اقتدار می‌یابد. آن اقتداربخشی برای پیروان میلر در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بود و برای صد و چهل و چهار هزار در ۹/۱۱.

سومین نشانه راه مسیحایی، پیام‌آوران ۱۱ سپتامبر است

و آمد و در شهری به نام ناصره ساکن شد تا آنچه به‌وسیله پیامبران گفته شده بود تحقق یابد: او را ناصری خواهند خواند. متی ۲:۲۳.

پیش‌بینی

و جوانه‌ای از کنده یسه برخواهد آمد، و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد روید. اشعیا ۱:۱۱، داوران ۱۳. ریشه واژه عبری‌ای که به «شاخه» ترجمه شده، «نتزر» است که همچنین ریشه «ناصره» نیز هست. آن شاخه از زاغه‌های ناصره می‌آید.

خداوند مردان جوان را از طبقات فروتن جامعه به خدمت خود فرا خواهد خواند، همان‌گونه که هنگامی که شخصاً بر این زمین می‌زیست چنین کرد. او از کنار ربی‌های دانشمند گذشت تا ماهیگیران فروتن و بی‌سواد را به عنوان نخستین شاگردان خویش برگزیند. او کارگرانی دارد که آنان را از دل فقر و گمنامی فرا خواهد خواند. مشغول وظایف معمول زندگی و پوشیده در جامه‌های خشن، در نظر مردم کم‌ارزش شمرده می‌شوند. اما آنان به گوهرهای گران‌بها بدل خواهند شد تا برای خداوند تابناک بدرخشند. «ایشان از آن من خواهند بود، می‌گوید خداوند لشکرها، در آن روز که گوهرهای خود را فراهم می‌کنم.» Review and Herald، ۵ مه ۱۹۰۳.

اقتدار روح‌القدس، اقتدار خواهر وایت و تأیید الهامی جونز و واگنر در سال ۱۸۸۸ رد شدند، همان‌گونه که قورح اقتدار موسی را رد کرده بود.

بدین‌سان پیام فرشته سوم اعلام خواهد شد. چون زمان اعطای آن با بزرگ‌ترین قدرت فرا برسد، خداوند از طریق ابزارهای فروتن عمل خواهد کرد و ذهن‌های کسانی را که خود را به خدمت او

وقف می‌کنند، هدایت خواهد نمود. کارگزاران بیشتر به وسیله مسح روح او صلاحیت خواهند یافت تا به وسیله تعلیمات مؤسسات آموزشی. مردان ایمان و دعا واداشته خواهند شد که با غیرتی مقدس بیرون روند و کلماتی را که خدا به ایشان می‌بخشد اعلام کنند. گناهان بابل آشکار خواهد شد. نتایج هولناک اجرای اجباری آیین‌های کلیسا از سوی اقتدار مدنی، تهاجمات روح‌گرایی، و پیشروی پنهان اما سریع قدرت پاپی—همه برملا خواهد شد. با این هشدارهای جدی، مردم برانگیخته خواهند شد. هزاران بر هزاران نفر گوش خواهند سپرد، کسانی که هرگز سخنانی از این دست نشنیده‌اند. با شگفتی شهادتی را می‌شنوند که بابل همان کلیساست، که به سبب خطاها و گناهانش سقوط کرده است، به سبب رد حقیقتی که از آسمان برای او فرستاده شد. چون مردم با پرسشی مشتاقانه نزد آموزگاران پیشین خود می‌روند: «آیا این امور چنین است؟»، خادمان افسانه‌ها عرضه می‌کنند، سخنان نرم و دل‌پسند پیشگویی می‌کنند تا بیم‌های ایشان را فروبنشانند و وجدان بیدار شده را آرام کنند. اما چون بسیاری به صرف اقتدار انسان‌ها قانع نمی‌شوند و یک «چنین می‌گوید خداوند» صریح می‌طلبند، روحانیت رایج، همچون فریسیان قدیم، وقتی اقتدارشان مورد سؤال قرار می‌گیرد، از خشم لیریز شده، پیام را شیطانی خواهند خواند و انبوه گناه‌دوست را برخواهند انگیزت تا کسانی را که آن را اعلام می‌کنند مورد ناسزا و آزار و تعقیب قرار دهند. مناقشه عظیم، ۶۰۶.

لب‌های لکنت‌زده از زاغه‌های ناصره به «بحث» اشعیا بیست‌وهفت رسیدند.

به اندازه، چون سر برآورد، با آن مجادله خواهی کرد؛ او باد سخت خود را در روز باد شرقی باز می‌دارد. اشعیا ۸:۲۷.

«باد شرقی اسلام»، که آن را «وای سوم» نیز می‌نامند، و همچنین «به خشم آوردن ملت‌ها»، در ۱۱ سپتامبر رها شد و بلافاصله مهار گردید.

در آن زمان، در حالی که کار نجات رو به پایان است، مصیبت بر زمین خواهد آمد و ملت‌ها خشمگین خواهند شد، اما مهار می‌شوند تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان «باران آخر»، یا تجدید نیرو از حضور خداوند، خواهد آمد تا به صدای بلند فرشته سوم قدرت ببخشد و مقدسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، استوار بایستند. نوشته‌های نخستین، ۸۵.

سپس موسی، الن وایت، ای. تی. جونز و ای. جی. واگنر در ۹/۱۱ به‌عنوان دیدبانان باب دوم حقوق موضع خود را اتخاذ کردند و این پرسش را مطرح کردند که در جریان «مجادله» اشعیا، که با رسیدن باد شرقی آغاز می‌شود، چه خواهند گفت. اشعیا می‌گوید «مجادله» همان چیزی است که گناهان قوم خدا را می‌پالاید.

به اندازه، چون بروید، با آن محاجه خواهی کرد؛ او باد خشن خویش را در روز باد شرقی باز می‌دارد. از این رو گناه یعقوب پاک خواهد شد؛ و این است تمام ثمره برای برداشتن گناه او: زمانی که همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های آهکی درهم‌کوبیده سازد، درختستان‌ها و تماثیل برپا نخواهند ماند. اشعیا ۸:۲۷، ۹.

«بحث» پیرامون سنجیده‌شدن باران پسین در ۹/۱۱—زمانی که اسلام رها و سپس مهار شد—در این باره است که گناهان یعقوب چگونه زوده می‌شوند و بدین‌سان یعقوب به اسرائیل تبدیل می‌شود. گذار کتاب مقدسی یعقوب، مردی نماینده عهد، به اسرائیل، سال ۱۸۵۶ را مشخص می‌کند؛ زمانی که جنبش میلری فیلادلفی به جنبش میلری لائودکیایی بدل شد؛ جنبشی که هفت سال بعد به کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودکیایی تبدیل شد. آن گذار در تاریخ میلری‌ها یک نشان راه را در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار مشخص می‌کند، زمانی که جنبش لائودکیایی یکصد و چهل و چهار هزار به جنبش

فیلا دلفی یکصد و چهل و چهار هزار تبدیل می‌شود. آن نقطه گذار زمانی است که یعقوب، به معنای «غاصب»، به اسرائیل، به معنای «غالب»، تبدیل می‌شود.

"بحث" گناهان یعقوب را پاک می‌کند و او اسرائیل غالب می‌شود. کسانی که اسرائیل دانسته می‌شوند، به واسطه خون کلمه و کلام شهادت خود غلبه می‌کنند.

و آنان به وسیله خون بره و به سبب کلام شهادت خود بر او چیره شدند؛ و جان خود را تا پای مرگ دوست نداشتند. مکاشفه ۱۱:۱۲.

"کلام شهادتشان" همان پیامی است که دیده‌بان حقوق خواست آن را بفهمد. این پیام نمایانگر تقدیس آنان است، و خون بره، عادل‌شمردگی آنان است.

بر نگهبانی خود خواهیم ایستاد، و بر برج جای خواهیم گرفت، و مراقب خواهیم بود تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون مؤاخذه شوم چه پاسخ خواهم داد. حقوق ۱:۲

واژه «reproved» به معنای «مورد مجادله قرار گرفتن» است و نمایانگر «مواجهه» اشعیاست که گناهان یعقوب را می‌زداید. دیده‌بان در حقوق می‌خواهد بداند شهادتش چه باید باشد و به او گفته می‌شود که لوح‌های حقوق همان پیامی است که به آنان که می‌خواهند بخوانند امکان می‌دهد به سرعت در کتاب مقدس جست‌وجو کنند و پیام عادل‌شمردن شدن به وسیله ایمان را بیابند. باب دوم حقوق به روشنی، در پایان چهار آیه نخست، دیده‌بان را از زمره کسانی معرفی می‌کند که به وسیله ایمان عادل‌شمردن می‌شوند.

اینک، جان او که متکبر است، در او راستی نیست؛ اما عادل به ایمان خود زنده خواهد ماند. حقوق ۲:۴

پیامی که بر آن دو لوح است، راه‌های کهن ارمیاست. اما هنگامی که دیده‌بان ارمیا شیپور را نواخت، طبقه متمردانی که جان‌هایشان برافراشته شده بود از شنیدن سر باز زدند. آنان همان طبقه در آیه پیشین بودند که برای یافتن آرامش و تازگی، از قدم گذاشتن در راه‌های کهن سر باز زدند.

خداوند چنین می‌فرماید: در راه‌ها بایستید و بنگرید، و راه‌های دیرین را بجوید که راه نیکو کدام است، و در آن گام بردارید تا برای جان‌های شما آرامی بیابید. اما گفتند: در آن راه نخواهیم رفت. همچنین بر شما نگهبانانی گماشتم و گفتم: به آواز شیپور گوش فرا دهید. اما گفتند: گوش فرا نخواهیم داد. ارمیا ۶:۱۶، ۱۷.

نگهبانانی که در واقعه ۹/۱۱ بر قوم خدا گماشته شدند، موسی، الن وایت، جونز و وگنر بودند؛ و این با لب‌های لکنت‌دار موسی نشان داده می‌شد، یعنی ترس او از سخن گفتن به زبان مصری، زبانی که او به مدت چهل سال به کار نبرده بود. در میان همه عبرانیان و جماعت مختلطی که همراه موسی از دریای سرخ گذشتند، موسی کسی بود با لهجه‌ای بیگانه. لهجه او ناصری بود. پطرس نیز از روی لهجه‌اش شناخته می‌شد.

و پس از مدتی، کسانی که آنجا ایستاده بودند نزد او آمدند و به پطرس گفتند: یقیناً تو نیز یکی از آنان هستی، زیرا لهجات تو را آشکار می‌کند. متی ۲۶:۷۳.

در مناظره‌ای از تاریخ پطرس، او سه بار دروغ گفت و در مناظره از روی لهجه‌اش یا لکنت زبانش شناخته شد. گروهی در مناظره از خدا پرسیدند: «در مناظره چه باید بگویم؟» آنان راه‌های کهن را «می‌بینند» و به صدای شیپور «گوش می‌دهند». آنان می‌بینند و می‌شنوند، و وقتی سرانجام «مناظره» می‌کنند، پیروز می‌شوند. پیام پیروز شدن در روزهای آخر به‌عنوان پیام لاودیکیه معرفی شده است. برخلاف کلیسای لاودیکیه، کلیسای فیلا دلفیا هیچ محکومیتی ندارد.

آن که پیروز شود، او را ستونی در هیکل خدای من خواهم ساخت، و دیگر هرگز از آن بیرون نخواهد رفت؛ و نام خدای من را بر او خواهم نوشت، و نام شهر خدای من را، یعنی اورشلیم جدید که از آسمان از نزد خدای من فرود می‌آید؛ و نام جدید خود را بر او خواهم نوشت. آن که گوش دارد، بشنود آنچه روح به کلیساها می‌گوید. مکاشفه ۳:۱۲، ۱۳.

با وجود اینکه هیچ ملامتی ندارد، وعده به فیلادلفیه فقط شامل کسانی می‌شود که «غلبه می‌یابند». کلیسای فیلادلفیه در تقابل با کلیسای لائودیکه قرار دارد و تمایزش با دو گروه مشخص می‌شود: گروهی که باید غلبه یابند و گروهی که غلبه یافته‌اند. کلیسای فیلادلفیه در تقابل با کلیسای لائودیکه است، و کلیسای لائودیکه همان باکره‌های نادان، متی ۲۵ هستند.

"وضعیت کلیسا که با دوشیزگان نادان نشان داده شده، همچنین از آن با عنوان وضعیت لاودیکه‌ای یاد می‌شود." ۱۹، Review and Herald، اوت ۱۸۹۰.

در یازدهم سپتامبر، هنگامی که فرشته به‌هنگام فروریختن برج‌های دوقلو فرود آمد، جونز و واگنر ارائه پیام لاودیکه را آغاز کردند و بحث درباره باران پسین آغاز شد. پیام کرنای ارמیا همان کرنای هفتم است، که همان وای سوم است؛ یعنی اسلام، آن‌گونه که در «راه‌های کهنه» شناسایی شده است—راه‌هایی که به‌وسیله حقایق، همه حقایقی که بر لوحه‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ حقوق ارائه شده‌اند، معرفی شده‌اند. پیام لاودیکه یگانه امید نجات است، و واژه نجات به معنای شفا است. چه مسیح خود را در حال کوبیدن بر در دل یک لاودیکه‌ای تصویر کند، و چه به آن لاودیکه‌ای وعده دهد که اگر با او صلح کند او نیز با وی صلح خواهد کرد، تنها پیام شفا است که به یک ادونتیست روز هفتم لاودیکه‌ای عرضه می‌شود.

چهارمین نشانه راه مسیحایی، پیام لاودیکه‌ای ۱۱ سپتامبر است.

تا آنچه به‌وسیله اشعیا پیامبر گفته شده بود تحقق یابد که می‌گوید: او خود ناتوانی‌های ما را بر خود گرفت و بیماری‌های ما را بر دوش کشید. متی ۸:۱۷

پیش‌بینی

به‌راستی او دردهای ما را بر خود گرفت و اندوه‌های ما را بر دوش کشید؛ اما ما او را مصیبت‌زده، مضروب از جانب خدا و رنج‌دیده پنداشتیم. اشعیا ۴:۵۳

و به فرشته کلیسای لاودکیان بنویس؛ این‌ها را آمین، شاهد آمین و راستین، آغاز آفرینش خدا، می‌گوید: کارهای تو را می‌دانم، که نه سردی و نه گرمی؛ کاش سرد بودی یا گرم. پس چون ولرم هستی و نه سردی و نه گرمی، تو را از دهان خود بیرون خواهم افکند.

زیرا می‌گویی: من دولتمندم و اموالم فزون شده و به هیچ چیز نیاز ندارم؛ و نمی‌دانی که تو بیچاره و بدبخت و فقیر و کور و برهنه‌ای.

تو را نصیحت می‌کنم که از من طلای آتش‌آزموده بخری تا توانگر شوی؛ و جامه‌های سفید تا پوشیده شوی و شرمساری برهنگی‌ات پدیدار نشود؛ و چشمانت را با مرهم چشم مسح کن تا بینا شوی.

هر که را دوست می‌دارم، او را توبیخ و تأدیب می‌کنم؛ پس غیور باش و توبه کن. اینک بر در ایستاده‌ام و در می‌زنم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و در را بگشاید، نزد او درآیم و با او شام خواهم خورد و او با من. به آن که غالب آید، اجازه می‌دهم با من بر تخت من بنشیند، چنان‌که من نیز غالب آمدم و با پدرم بر تخت او نشستم. آن که گوش دارد، بشنود آنچه روح به کلیساها می‌گوید. مکاشفه ۳:۱۴-۲۲.

نصیحت به خریدن طلا و جامه سفید و مسح کردن چشم‌ها، درمان تصریح شده برای وضعیتی است که به مرگ ابدی ختم می‌شود، نه صرفاً مرگ. مشکلاتی که طلا، جامه و مسح بتوانند درمان کنند، به‌آسانی با این حقیقت همخوانی دارند که مسیح ناتوانی‌های ما را بر خود گرفت. یوحنا به سبب کلام خدا و شهادت عیسی، که روح نبوت است، در پطمس زندانی بود. روح نبوت درمان لاودیکه است، و ویژگی‌های شفابخش روح نبوت در این حقیقت به تصویر کشیده شد که مسیح ناتوانی‌های ما را بر خود گرفت و اندوه‌های ما را بر دوش کشید.

تنها راهی که مسیح ناتوانی‌های ما را بردارد این است که در دل‌مان را بگشاییم و اجازه دهیم الوهیت او با انسانیت ما درآمیزد. او ناتوانی‌های ما را زمانی برمی‌دارد که از طریق حضور روح‌القدس وارد زندگی ما می‌شود. ما با به‌کار بستن درمان، در را می‌گشاییم. درمانی که دل را می‌گشاید، طلا، جامه سفید و مرهم چشم است. این مرهم چشم، روشنائی‌بخشی کلام خداست که تنها به وسیله روح‌القدس تحقق می‌یابد. کتاب مقدس چراغی برای پاهای ماست، و نوری که راه را روشن می‌کند، نور فریاد نیمه‌شب است.

کلام تو چراغی برای پاهای من و نوری برای راهم است. مزمور ۱۱۹:۱۰۵.

وقتی به یکی از لاودیکیان توصیه می‌شود که چشمانش را مسح کند، باید این کار را با کلام خدا انجام دهد؛ کلامی که چراغ است، اما همان‌گونه که در مثل ده باکره نشان داده شده، چراغ بدون روغن بی‌فایده است. لاودیکیان کتاب مقدس‌های خود را دارند، هرچند معمولاً نه نسخه کینگ جیمز، اما روغن روح‌القدس را ندارند. مسح چشمان لاودیکیان به وسیله پیامی انجام می‌شود که حامل حضور روح‌القدس است.

طلایی که به یک لاودیکی توصیه می‌شود بخرد، صرفاً ایمان نیست، بلکه ایمانی است که به محبت عمل می‌کند و جان را پاک می‌سازد. همچون مرهم چشم، درباره طلا نیز ادعای قلبی لاودیکی وجود دارد. یک لاودیکی، همان‌گونه که همه جهان مسیحیت، ادعا می‌کند که «ایمان» دارد. آن نوع ایمان صرفاً باور انسانی است و بدل ایمانی است که طلا نماد آن است، زیرا آن ایمان جان را پاک می‌سازد. ایمانی است تقدیس‌کننده، و کسانی که صاحب ایمانی اصیل و تقدیس‌شده‌اند مقدس‌اند، زیرا تقدیس یعنی مقدس ساخته شدن. لاودیکیان آن ایمان را ندارند، زیرا اگر می‌داشتند، مسیح بیرون نمی‌ایستاد و در پی ورود نبود.

هیچ راه میانه‌ای برای بازگشت به بهشت وجود ندارد. پیام داده‌شده به انسان برای این روزهای آخر این است که با تدابیر انسانی درنیامیزیم. نباید به سیاست‌های وکلای اهل دنیا تکیه کنیم. ما باید انسان‌هایی فروتن و اهل دعا باشیم، نه مانند کسانی رفتار کنیم که به وسیله عوامل شیطان کور شده‌اند.

بسیاری ایمانی دارند، اما نه ایمانی که به وسیله محبت عمل می‌کند و جان را پاک می‌سازد. ایمان نجات‌بخش صرفاً باور حقیقت نیست. «شیاطین نیز ایمان دارند و می‌لرزند.» الهام روح خدا به انسان ایمانی می‌بخشد که نیرویی محرک است، شخصیت را شکل می‌دهد و انسان را فراتر از اعمال صرفاً ظاهری می‌برد. سخنان، اعمال و روحیه ما باید بر این حقیقت شهادت دهند که ما پیروان مسیحیم.

بزرگ‌ترین نور و برکتی که خدا ارزانی داشته، در این روزهای واپسین مصونیتی در برابر تخطی و ارتداد نیست. کسانی که خدا ایشان را به جایگاه‌های بلند اعتماد برکشیده است، ممکن است از نور آسمانی به حکمت انسانی رو کنند. آنگاه نورشان به تاریکی بدل می‌شود، توانایی‌هایی که خدا به امانت به آنان سپرده به دام تبدیل می‌گردد، و سیرتشان مایه ناخشنودی خدا می‌شود. خدا را نمی‌توان مسخره کرد. دوری از او همواره پیامدهای یقینی خود را به دنبال داشته و خواهد

داشت. ارتکاب اعمالی که خدا را ناخشنود می‌کند، مگر آن که به‌جای تلاش برای توجیهشان، قاطعانه از آن‌ها توبه شده و ترک گردند، بدکار را گام‌به‌گام در فریب می‌کشاند تا آن که گناهان بسیاری بی‌کیفر مرتکب می‌شود. همه کسانی که می‌خواهند دارای سیرتی باشند که آنان را همکاران خدا سازد و به رضامندی خدا نائل شوند، باید خود را از دشمنان خدا جدا کنند و حقیقتی را نگاه دارند که مسیح به یوحنا سپرد تا به جهان برساند. منتخبات دست‌نوشته‌ها، جلد ۱۸، صفحات ۳۰ تا ۳۶.

«جامه سفید» پارسایی مسیح است.

شادمان شویم و شادی کنیم، و او را احترام بداریم؛ زیرا عروسی برّه فرا رسیده است و همسر او خود را مهیا ساخته است. و به او عطا شد که به کتان نازک، پاک و سفید، ملبس گردد؛ زیرا این کتان نازک، پارسایی قدیسان است. و به من گفت: بنویس، خوشا به حال آنان که به شام عروسی برّه دعوت شده‌اند. و به من گفت: اینها سخنان راستین خداست. مکاشفه ۱۹:۷-۹.

همسر با به‌کار بستن درمان سه‌گانه‌ای که به لاودیکه عرضه شد، خود را آماده کرد و بدین‌سان خود را به عروس فیلاذلفیه تبدیل نمود. این آیات مستقیماً خطاب به ادونتیس‌ماند که در مَثَل ده باکره نمایانده شده است. باکره‌ها کسانی هستند که منتظر رفتن به عروسی‌ای‌اند که به آن فراخوانده شده‌اند. عروس خود را آماده کرد، زیرا در زکریا باب سه، با یهوشع و فرشته، این عطا شده بود. آن‌جا جامه پلید لاودیکایی‌اش از او برداشته شد و با لباس عروسی از کتان سفید جایگزین گردید. این درمان شاهد دومی نیز در خود نام الن گولد وایت دارد. «الن» به معنای نوری روشن و درخشان است و نماینده مرهم چشمی است. «گولد» واژه انگلیسی کهن برای «طلا»ست و به معنی طلاست. «وایت» نمایانگر پارسایی است، و این نام تا سال ۱۸۴۶، زمانی که با جیمز ازدواج کرد، به او داده نشد. آنگاه نام او به «وایت» تغییر یافت. تغییر نام و ازدواج هر دو نماد یک رابطه عهدی‌اند. پیش از ازدواج، نامش «هارمون» بود، که به معنی «سرباز صلح» است، چنان‌که در آن زمان نیز بود. الن وایت همان پیام لاودیکه است، و رد او یعنی رد نجات!

در مقاله بعدی به بررسی دوازده نبوت مسیحایی در کتاب متی ادامه خواهیم داد.

مکاشفه ۱۴:۳-۱۸ نقل شده است.

آه، چه توصیفی! چه بسیارند کسانی که در این وضعیت هولناک‌اند. من به جد از هر واعظی می‌خواهم فصل سوم مکاشفه را با جدیت و دقت مطالعه کند، زیرا در آن وضعیت امور موجود در روزهای آخر ترسیم شده است. هر آیه از این فصل را با دقت مطالعه کنید، زیرا از خلال این کلمات عیسی با شما سخن می‌گوید.

اگر هرگز مردمی مصداق پیام لاودیکه بوده‌اند، آنان همان مردمی هستند که نور عظیم (یعنی آشکار شدن حقایق کتاب مقدس) را یافته‌اند؛ همان نوری که ادونتیس‌های روز هفتم دریافت کرده‌اند. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۱۸، صفحه ۱۹۳

مردمان حقیقی خدا که احکام او را نگاه می‌دارند، به جهان سرشتی از درستی بی‌لکه نشان می‌دهند و با شیوه رفتار خود شهادت می‌دهند که شریعت خداوند کامل است و جان را دگرگون می‌کند. بدین‌سان، خداوند عیسی، پسر خدا، از رهگذر اطاعت خود از شریعت خدا، آن شریعت را سرافراز ساخت و به آن حرمت بخشید. خدا بی‌تردید هر عضوی از هر کلیسایی را که خود را ادونتیس‌ت روز هفتم می‌خواند، اما در خدمت او نیست و با تکبر، خودخواهی و دنیاپرستی نشان می‌دهد که حقیقت با منشأ آسمانی اصلاحتی در منش او پدید نیآورده است، محکوم خواهد کرد.

لطفاً مکاشفه ۱۵:۳-۱۸ را با دقت بخوانید. صدای عیسی مسیح شنیده می‌شود. «هر که را دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌کنم؛ پس غیور باشید [نه نیمه‌دل] و توبه کنید. اینک من [نجات‌دهنده شما] بر در ایستاده‌ام و در را می‌کوبم؛ اگر کسی صدای مرا بشنود و در را بگشاید، نزد او داخل می‌شوم و با او شام خواهم خورد و او نیز با من. به آن که پیروز شود، عطا خواهم کرد که با من بر تخت من بنشیند، همان‌گونه که من نیز پیروز شدم و با پدرم بر تخت او نشسته‌ام» [مکاشفه ۱۹:۳-۲۱].

آیا کلیساها به پیام لاودیکیه گوش فرا خواهند داد؟ آیا توبه خواهند کرد، یا با وجود این که جدی‌ترین پیام حقیقت—پیام فرشته سوم—به جهان اعلام می‌شود، به گناه ادامه خواهند داد؟ این آخرین پیام رحمت، آخرین هشدار به جهانی سقوط کرده و به مسکن شیاطین و زندان هر روح ناپاک و قفس هر پرنده ناپاک و مکروه بدل شده‌اند، مورد لطف نخواهد بود. کسانی که فرصت شنیدن و پذیرفتن حقیقت را داشته‌اند و به کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم پیوسته، خود را قوم نگاه‌دارنده احکام خدا می‌نامند، و با این حال از حیث حیات و وقف‌شدگی برای خدا بیش از کلیساهای اسمی نیستند، به همان قطعیت دچار بلایای خدا خواهند شد که کلیساهایی که با شریعت خدا مخالفت می‌کنند. تنها آنان که به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، خانواده سلطنتی را در منازل آسمانی تشکیل خواهند داد؛ همان‌جا که مسیح برای آنان که او را دوست می‌دارند و احکامش را نگاه می‌دارند، رفته است تا مهیا سازد.

«هر که گوید او را می‌شناسم و فرمان‌های او را نگاه نمی‌دارد، دروغ‌گوست و راستی در او نیست» [اول یوحنا ۴:۲]. این شامل همه کسانی می‌شود که ادعا می‌کنند شناختی از خدا دارند و فرمان‌های او را نگاه می‌دارند، اما این را با اعمال نیکو آشکار نمی‌کنند. ایشان بر حسب اعمال خود جزا خواهند یافت. «هر که در او می‌ماند، گناه نمی‌کند؛ هر که گناه می‌کند، نه او را دیده است و نه او را شناخته است» [اول یوحنا ۶:۳]. این خطاب به همه اعضای کلیساست، از جمله اعضای کلیساهای ادونتیست روز هفتم. «ای فرزندان کوچک، مبدا کسی شما را بفریبد: هر که پارسایی می‌کند، پارساست، همان‌گونه که او پارساست. هر که گناه می‌کند از ابلیس است؛ زیرا ابلیس از آغاز گناه می‌کند. برای همین منظور پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را نابود سازد. هر که از خدا زاده شده است، گناه نمی‌کند؛ زیرا نطفه او در او می‌ماند، و نمی‌تواند گناه کند چون از خدا زاده شده است. به این است که فرزندان خدا و فرزندان ابلیس آشکار می‌شوند: هر که پارسایی نمی‌کند از خدا نیست، و نیز آن که برادر خود را دوست نمی‌دارد» [اول یوحنا ۷:۳-۱۰].

همه کسانی که ادعا می‌کنند ادونتیست سبت‌نگهدار هستند و با این حال در گناه ادامه می‌دهند، در نظر خدا دروغ‌گو هستند. راه و روش گناه‌آلودشان کار خدا را خنثی می‌کند. آنان دیگران را به گناه می‌کشانند. کلامی از جانب خدا به هر عضو کلیساهای ما می‌رسد: «برای پاهای خود راه‌های راست بسازید، مبدا آنچه لنگ است از راه بیرون رانده شود؛ بلکه بگذارید شفا یابد. در پی صلح با همه و قدوسیت باشید، که بدون آن هیچ‌کس خداوند را نخواهد دید؛ با دقت مراقب باشید مبدا کسی از فیض خدا محروم شود؛ مبدا ریشه‌ای از تلخی سر برآورد و شما را دچار رنج سازد و به واسطه آن بسیاری آلوده شوند؛ مبدا زناکار یا شخص بی‌حرمت باشد، مانند عیسو که به خاطر یک لقمه خوراک حق نخست‌زادگی خود را فروخت. زیرا می‌دانید که بعداً، وقتی خواست برکت را به ارث ببرد، رد شد؛ زیرا جای توبه‌ای نیافت، هرچند با اشک آن را با جدیت می‌جست.» [عبرانیان ۱۲:۱۷-۱۳]

این درباره بسیاری که مدعی‌اند به حقیقت ایمان دارند، صدق می‌کند. آنان به‌جای دست کشیدن از اعمال هوس‌آلود خود، در مسیر نادرستی از تعلیم و تربیت، زیر سفسطه فریبنده شیطان، به پیش می‌روند. گناه به‌عنوان گناه تشخیص داده نمی‌شود. خود وجدان‌هایشان آلوده است، دل‌هایشان

فاسد شده، حتی افکارشان پیوسته فاسد است. شیطان از آنان به عنوان طعمه‌هایی استفاده می‌کند تا نفوس را به اعمال ناپاکی بکشاند که سراسر وجود را می‌آلاید. «هر که شریعت موسی را [که شریعت خدا بود] خوار می‌شمرد، به گواهی دو یا سه شاهد، بدون رحمت کشته می‌شد. پس به نظر شما، از عذابی سخت‌تر تا چه اندازه سزاوار شمرده خواهد شد کسی که پسر خدا را پایمال کرده، و خون عهد را که به وسیله آن تقدیس شد امری ناپاک شمرده، و به روح فیض اهانت کرده است؟ زیرا او را می‌شناسیم که گفته است: انتقام از آن من است؛ من جزا خواهم داد، می‌گویند خداوند. و نیز: خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد. افتادن به دست‌های خدای زنده امر هولناکی است» [عبرانیان 10:28-31]. انتشارات دست‌نوشته‌ها، جلد 19، 175-177.